



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۳/۰۸

دوکتور محمد ظاهر عزیز

هشت مارچ، روز جهانی زن بزرگی و مقام زن

بخش اول

بخش اول: نقش زن در ساخت، انتقال و توسعه فرهنگ.

جوامع صاحب فرهنگ به منظور غنی ساختن و راه یافتن به سرچشمه های فرهنگی شان که زاده مردم وابسته به آن دیار یعنی ساخت فکر و مغز زنان و مردان دیار شان در دوره های دور و نزدیک تاریخ شان است، تلاش همیشگی دارند. این نوع تلاش ها از جهتی صورت می گیرد تا مردمان امروز اندیشه های فکری و مغزی زنان و مردان گذشته را که خوبی هنری، فزیک، یا ارزش معنوی، زبانی و یا افسانوی دارند و یا اینکه اندیشه و دستاورد های فرهنگی گذشتگان و در مجموع سنت ها و عادات امروزی شان مقام شایسته پیدا کرده اند، این همه را بدانند و به این صورت در غنماندی و بزرگی فرهنگ شان که زنها نیز در آن نقش عمده دارند، بیافزایند.

جوامع فرهنگ دوست که دارای درجه پیشرفت خوب فرهنگی هستند، از ارزش های فرهنگی که مال مشترک مرد و زن آن جامعه است جهت سر براه نمودن امور اجتماعی و ساختن دستگاه ها، نظام ها و ساختمان های فرهنگی که وسیله ای اند برای رفاه اجتماعی و انکشاف اقتصادی و سیاسی، استفاده عظیم و متداوم می نمایند.

انسان های هوشیار می دانند که گنجینه های عظیم یک ملت مانند مجسمه ها، تصویرها، نقاشی ها، سکه ها، اسباب و آلات فرهنگی و هنری، خانه ها، زبان ها، نوشته ها، گفتارها، سنت ها، لباس ها، غذا ها، داستان ها، هنرهای ادبی، شعری و صنعتی، روش های اجتماعی و زندگی، تنها و تنها زاده فکر و مغز مردان آن جامعه نیستند بلکه زن ها نیز در بسیاری موارد در ساخت، انتقال پخش و انکشاف این همه گنجینه های فرهنگی سهم و نقش بزرگ دارند و گاهی بزرگتر. باید گفت که زن ها در حفظ و انتقال آثار فرهنگی، محسوس و غیر محسوس نقش خیلی بالاتر از مردان دارند.

در بعضی جوامع مخصوصاً آن وقت ها که نگارش وجود نداشت یا اینکه عام نبود، زنان در نقل و روایت تاریخ، خدمات بس بزرگی انجام داده اند. برای نقل تاریخ و انتشار آن از زبان به زبان و یا از حافظه به حافظه بعضاً پشتوانه

ای از موسیقی نیز لازم بود که در این موارد زنان لیاقت و توانایی قابل ستایش دارند. در وطن ما آثار فرهنگی نقاشی های زیبا در نواحی بامیان، قندهار، کابل و جلال آباد موجود بود که نقش زنان را در ساخت، حفظ و انتشار میراث معنوی، هنرهای شعری و موسیقی ثابت می سازد. قصه گویان شیرین زبان به اطفال، آنهم در آغوش گرم و پر مهر مادر، زنان هستند چونکه زنان در حفظ و انتقال میراث فرهنگی غیر محسوس توانایی صاحب قدر دارند.

فرهنگ برای همه جوامع و مردم موفقیت فکری و هنری، توسعه علم و هنر، علوم انسانی و فلسفه، انکشاف تعلیم و تربیه، نظام پیشرفته اجتماعی سطح عالی معنویات و اخلاق و بسیار چیزهای نیک دیگر را بخاطر می آورد که در بروز همه اینها نقش زن خیلی مؤثر است. فرهنگ در حقیقت بیان نبوغ مردم یعنی بیان نبوغ زن و مرد در هر جامعه تلقی می گردد.

برای جامعه صاحب فرهنگ و یا شخص صاحب تعلیم، فرهنگ متضمن همه آن چیزهای با ارزش ذکر شده است که نقش زن در ظهور و نگهداشتن آن ها صاحب ارزش های بی شماری است. پس اگر فرهنگ را مجموع ارزش های معنوی و علمی انسانی و آثار هنری و فیزیکی گذشتگان و انسان های امروز حساب نماییم، سهم زنان در بروز و توسعه این ارزش ها بالاتر از آن درجه است که مردان به آن درجه اهمیت می دهند.

اگر مردان در بزرگواری این ارزش معنوی و اخلاقی زنان یا سهم بزرگ شان در بروز، انتقال و توسعه فرهنگ شک و تردید داشته باشند، با آنکه داشتن چنین شک و تردید نه اساس دینی و نه اهمیت علمی دارد و نه صاحب درجه اخلاقی خواهد بود، در آنصورت بهتر است، مردان به یک موضوع پر اهمیت فکر ساده نمایند یعنی اینکه به جوهر اصلی خود هویت انسانی بدهند. هویت انسانی یعنی هویت مرد و زن. من هستم چون مادر و پدرم بودند و اگر مادر و پدرم نبودند، من نبودم. پس در موجودیت مردان، با اراده خداوند(ج)، موجودیت زن یعنی مادران شان شرط است.

در هویت هستی، حکم و اراده خداوند(ج) ثابت است و به منظور اینکه هویت هستی انسانی انسان ها بجا بماند و سیر توالد و تناسل ادامه داشته باشد، خداوند(ج)، دو جنس زن و مرد آفرید. فلذا با ارتباط مسئله هستی و تشخیص هویت انسانی آنچه را باید مردان با سواد، کم سواد و حتی بیسواد با تفکر اندکی بدانند اینست که بدون وجود زن، مرد نمی تواند هویت هستی داشته باشد لذا حتماً در امر توالد و تناسل جوهر هستی و انسانی زن و مرد لازم و ملزوم است، همان طوری که مرد و زن در خلقت از یک گوهر اند. اما مقام معنوی و بزرگواری انسانی زن از جهتی از مرد با اهمیت بحساب آید چونکه زن انسانی را که به او اشرف المخلوقات نیز گفته اند، در بطن خویش می پروراند، بدنیا می آورد و چونکه او، یعنی زن مادر انسان نو تولد نیز است، آن طفلک را به مراتب نسبت به مرد عزیز می دارد، به او شیر می دهد، بزرگش می سازد و او را به منظور "انسان بودن" و زندگی کردن، صاحب ارزش های فیزیکی، معنوی و فرهنگی می سازد. زن چه انسان مهربان، با ارزش و با فرهنگ.

با فکر اندکی می توان یافت که زن از روزهای اول زندگی فرزندش در ساختن نظام معنوی و فرهنگی او یعنی نظام انسانی طفل خود که به آن ارزش و شخصیت انسانی نیز نام داده می توانیم، نقش خیلی بارز دارد. این هویت انسانی را یعنی مقام مادری را، مادری که اولین مربی و آموزگار فرزندش نیز است، محض به زن اعطا گردیده و مرد نمی تواند صاحب چنین مقام بزرگ باشد.

همه تحقیقات علمی نشان می دهد که نوزاد، مادرش را به درستی می شناسد و از محبت مادر احساس خوشی می نماید. شیر پاک مادر که از سینه گرم و پر لطف مادر به طفل داده می شود، رشته های عمیق حسن محبت را بین او و مادرش هر روز تعمیر می نماید، از مادر خود می آموزد و آهسته آهسته به عادات و روش های مادرش آشنا می شود تا اینکه مرحله آموزش زبان مادرش می رسد. طفل زبان مادر را می شنود و می آموزد، پس آموزگاران زبان به فرزندان، مادران یعنی زنان هستند. در این جاست که نقش زن در شناسائی و توسعه یکی از مظاهر اصلی فرهنگ انسانی، ثابت می گردد.

زبان که سنگ بنای اصلی فرهنگ یک ملت است و وسیله ای است که توسط آن فرهنگ مزبور قادر به رشد می شود، از مادر به فرزند انتقال می نماید. پس جا دارد بگویند "زبان مادری". علاوه، جاه دارد هر فرزند با محبت به مادرش بگوید:

" تو دادی مرا جمله فرهنگ و رای

تو بودی به هر نیک و بد رهنمای"

نقش زن در انتقال و توسعه زبان از نسل به نسل، زبان که وسیله اصلی آموزش و توسعه مجموع ارزش های فرهنگی است، به اندازه با اهمیت است که تعریف آن در دامن کلمات چند تکمیل نشود. هر زبان مادری به نوبه خود منبع بی پایان ارزش هایی است که آن جامعه در دامن آن زندگی هوشیارانه می نماید. زبانی که ما در ایام طفلی از مادر می شنویم و می آموزیم تنها زبانی است که فعلاً قادر به انتقال ادب و شعر، دانش و روش زندگی و تجربه مردم به قلب ها و مغزهای ما می باشد. زبان مادری تنها زبانی است که اولین شراره غرور ملی را در ما شعله ور می سازد و به ما توان و شخصیت گفتار می بخشد، وسیله تبادل نظر و عقیده می گردد و لذت گفتار را که از لغات صیقل شده در طول زمان بدست می آید، به ما می بخشد.

اگر در کلمات فوق شخصیت و ارزش فرهنگی مضمّن باشد، آن شخصیت و ارزش از آن زبان است اما آن زبان، زبانی است که مادر به طفلش می آموزاند.

پایان بخش او

ادامه دارد